

آنچه که در تحصیل و کنکور به آن نیاز دارید در...



Konkur home

www.1book.blog.ir

« جزوات ناب و برتر

« مجموع تست های طبقه بندی شده

« سوالات کنکور سراسری داخل و خارج کشور

« مصاحبه و کارنامه نمرات برتر کنکور

« خدمات دیگر...



وبسایت

فانه کنکور تجربی

نظراتتون موجب خوشحالی ما و هرچه بهتر شدن سایت می شود

شکل فعل دوم در جمله

این مبحث به طور پراکنده در چند درس از کتاب‌های درسی مورد بررسی قرار گرفته است (درس ۲ پیش‌دانشگاهی و درس‌های ۲ و ۴ سال سوم). برای این‌که بتوانید با دقت و تمرکز بیشتری این مبحث را مطالعه کنید، تصمیم گرفتیم کلیه مطالبی را که در کتابتان در مورد کاربرد فعل دوم در جمله آمده، به طور منسجم در یک درس در اختیار تان بگذاریم. مطالب این درس کاملاً حفظ‌کردنی هستند و در واقع برای پاسخ‌گویی به سؤالاتی که از این درس طرح می‌شوند، نیاز پندانی به ترجمه‌ی جمله و درک کامل سافتار آن ندارید. فقط کافی است بداول و نکاتی را که در ادامه می‌خوانید فقط کنید تا وقتی یکی از این افعال را در کتکور دیدید، بدانید که بعد از آن، فعل دوم به چه شکلی به کار می‌رود. تا به حال در ۱۴۵٪ از کتکوره‌های سراسری و ۱۳۸٪ از کتکوره‌های آزادی که از کتاب درسی فعلی برگزار شده، از مبحث شکل فعل دوم در جمله سؤال طرح شده است.

گاهی اوقات در بعضی جملات، به جای یک فعل، دو فعل پشت سر هم می‌آیند. در این درس یاد می‌گیریم که وقتی خواستیم از چنین جملاتی استفاده کنیم، فعل دوم را باید به چه شکل در جمله به کار ببریم. زمان و شخص جمله فقط روی فعل اول تأثیر می‌گذارد. فعل دوم نه زمان می‌گیرد نه شخص، و شکل آن بر اساس فعل اول تعیین می‌شود. به عنوان مثال، بعد از فعل *tell*، فعل دوم به صورت مصدر با *to* به کار می‌رود. حالا چه فعل *tell* اول شخص باشد چه سوم شخص، چه زمان آن گذشته باشد چه حال و چه آینده، تأثیری روی فعل دوم ندارد:

I <i>tell</i> him	} <i>to wash</i> the dishes.
I am <i>telling</i> him	
She <i>tells</i> him	
She is <i>telling</i> him	
I <i>told</i> him	
I was <i>telling</i> him	
I have <i>told</i> him	
I had <i>told</i> him	
I will <i>tell</i> him	

● در یک دسته‌بندی کلی می‌توان گفت که افعال زبان انگلیسی به سه دسته تقسیم می‌شوند:

- ۱- افعالی که بعد از آن‌ها مصدر با **to** به کار می‌رود.
- ۲- افعالی که بعد از آن‌ها مصدر بدون **to** به کار می‌رود.
- ۳- افعالی که بعد از آن‌ها فعل **sing** به کار می‌رود.

مصدر با to

advise	توصیه کردن به، نصیحت کردن به	He advised me <u>to study</u> more carefully.	او به من توصیه کرد که با دقت بیشتری درس بخوانم.
agree	موافقت کردن، موافق بودن	He agreed <u>to come</u> to the cinema with us.	او موافقت کرد که با ما به سینما بیاید.
allow	اجازه دادن به	They didn't allow Jack <u>to enter</u> the house.	آن‌ها به جک اجازه ندادند که وارد خانه شود.
ask	خواستن (از)، درخواست کردن (از)	She asked me <u>to go</u> there on the weekend.	او از من خواست که آخر هفته به آن‌جا بروم.
begin *	شروع کردن	The children began <u>to cry</u> .	بچه‌ها شروع کردند به گریه کردن.
cause	باعث شدن، موجب ... شدن	What caused you <u>to change</u> your mind?	چه چیزی باعث شد نظرت را عوض کنی؟
choose	انتخاب کردن	I chose <u>to study</u> English instead of French.	من انتخاب کردم که به جای فرانسوی، انگلیسی بخوانم.
continue *	ادامه دادن	She continued <u>to read</u> the book.	او به خواندن آن کتاب ادامه داد.
decide	تصمیم گرفتن	I decided <u>to tell</u> him the truth.	تصمیم گرفتم حقیقت را به او بگویم.
encourage	تشویق کردن، ترغیب کردن	I will encourage them <u>to exercise</u> .	من آن‌ها را تشویق خواهم کرد که ورزش کنند.
expect	انتظار داشتن (از)	I expected him <u>to get</u> a good mark.	من از او انتظار داشتم که نمره‌ی خوبی بگیرد.
fail	شکست خوردن (در)، موفق نشدن (در)	The doctor failed <u>to save</u> the little girl's life.	دکتر موفق نشد جان دختر بچه را نجات بدهد.
force	مجبور کردن	I forced him <u>to give</u> my money back.	او را مجبور کردم که پولم را پس بدهد.
forget *	فراموش کردن	Don't forget <u>to bring</u> your book with you.	فراموش نکن که کتابت را با خودت بیاوری.
hate *	متنفر بودن از	I hate <u>to play</u> basketball.	متنفرم از این که بسکتبال بازی کنم.
help *	کمک کردن (به)	I helped him <u>to write</u> the article.	من به او کمک کردم که مقاله را بنویسد.
hope	امیدوار بودن	I hope <u>to see</u> Jane next week.	امیدوارم هفته‌ی بعد جین را ببینم.
invite	دعوت کردن	He invited me <u>to go</u> to their house.	او مرا دعوت کرد که به خانه‌ی آن‌ها بروم.
like *	دوست داشتن	She likes <u>to play</u> ping-pong.	او دوست دارد که پینگ‌پنگ بازی کند.
love *	عاشق ... بودن، (خیلی) دوست داشتن	I love <u>to swim</u> in the sea.	عاشق اینم که در دریا شنا کنم.
order	دستور دادن به	He ordered them <u>to be</u> quiet.	او به آن‌ها دستور داد که ساکت باشند.
permit	اجازه دادن به	They didn't permit Jack <u>to enter</u> the house.	آن‌ها به جک اجازه ندادند که وارد خانه شود.
plan	برنامه‌ریزی کردن؛ قصد داشتن	We have planned <u>to go</u> swimming.	ما برنامه‌ریزی کرده‌ایم که به شنا برویم.
prefer *	ترجیح دادن	I prefer <u>to stay</u> at home.	من ترجیح می‌دهم که در خانه بمانم.
promise	قول دادن (به)	He promised me <u>to be</u> there at 10.	او به من قول داد که ساعت ۱۰ آن‌جا باشد.
remember *	به یاد داشتن	I will remember <u>to bring</u> my book with me.	به یاد خواهم داشت که کتابم را با خودم بیاورم.
start *	شروع کردن	The children started <u>to cry</u> .	بچه‌ها شروع کردند به گریه کردن.
stop *	ایستادن، توقف کردن	We stopped <u>to buy</u> a newspaper.	ما ایستادیم تا یک روزنامه بخریم.
teach	یاد دادن به	My father taught me <u>to swim</u> .	پدرم به من یاد داد شنا کنم.
tell	گفتن	I told them <u>to play</u> in the yard.	من به آن‌ها گفتم که در حیاط بازی کنند.
try *	سعی کردن	I was trying <u>to repair</u> the car.	من داشتم سعی می‌کردم ماشین را تعمیر کنم.
want	خواستن	I want <u>to improve</u> my English.	من می‌خواهم انگلیسی‌ام را بهتر کنم.
warn	هشدار دادن به	I warned her <u>to stay</u> away from that dog.	من به او هشدار دادم که از آن سگ دور بماند.
wish	آرزو داشتن، مایل بودن	I wish <u>to travel</u> <u>to Egypt</u> one day.	آرزو دارم که یک روز به مصر سفر کنم.
would like	دوست داشتن، مایل بودن	I'd like <u>to see</u> that film.	دوست دارم آن فیلم را ببینم.

افعالی که در مقابل‌شان ستاره گذاشته شده آن‌هایی هستند که در توضیحات بعد از جدول و یا در توضیحات آخر درس در موردشان نکته آورده شده است. افعالی که ستاره‌دار نیستند توضیح خاصی ندارند و فقط کافی است کاربردشان را طبق جدول یاد بگیرید.





نکات مهم

۲ به این نکته خیلی دقت کنید، چون در کنکور زیاد از آن سؤال می‌آید: برای منفی کردن فعلی که به صورت مصدر با to آمده، کافی است قبل از to یک not اضافه کنیم. (توجه داشته باشید که not حتماً باید قبل از to بیاید، نه بعد از آن):

1. She **asked** me **not to tap** the pen on the desk. (to not tap)
2. My mother **warned** me **not to touch** that hot metal. (to not touch)

۱- او از من خواست که با خودکار روی میز نکوبم.

۲- مادرم به من هشدار داد که به آن فلز داغ دست نزنم.

۳ اگر به مثال‌های جدول مصدر با to دقت کنید، می‌بینید که بعد از بعضی از این افعال، اول مفعول آمده و بعد از آن مصدر با to به کار رفته است:

... + مصدر با to + مفعول + فعل اول

در این سطح لازم نیست خیلی وارد جزئیات این نکته شویم. این را گفتیم که فقط بدانید چنین چیزی هم ممکن است و اگر دیدید بین فعل اول و نقطه چین فاصله افتاده، فکر نکنید باید محاسبات عجیب و غریبی بکنید تا به جواب صحیح برسید! بود و نبود مفعول در شکل فعل دوم تأثیری ندارد.

۱ بعد از صفت در جمله، فعل به صورت مصدر با to به کار می‌رود:

1. I am **glad to hear** that you are getting married.
2. She will be really **surprised to see** you here.

۱- از شنیدن این که شما دارید ازدواج می‌کنید خوشحالم.

۲- او از دیدن شما در این‌جا واقعاً شگفت‌زده خواهد شد.

رایج‌ترین شکل کاربرد فعل بعد از صفت، ساختار زیر است:

... + مصدر با to + (مفعول + for) + صفت + to be + It

1. It is **important to learn** English.
2. It was very **interesting** for me **to travel** to Shiraz.
3. It will not be **possible** for you **to see** him.

۱- یاد گرفتن زبان انگلیسی مهم است.

۲- مسافرت به شیراز برای من خیلی جالب بود.

۳- دیدن او برای شما ممکن نخواهد بود.

مصدر بدون to

let *	اجازه دادن به	They didn't let Jack <u>enter</u> the house.	آن‌ها به جک اجازه ندادند که وارد خانه شود.
make *	مجبور کردن؛ باعث شدن	I made him <u>give</u> my money back. What made you <u>change</u> your mind?	او را مجبور کردم که پولم را پس بدهد. چه چیزی باعث شد نظرت را عوض کنی؟
help *	کمک کردن (به)	I helped him <u>write</u> the article.	من به او کمک کردم که مقاله را بنویسد.
can / could	افعال وجهی	You can <u>learn</u> English easily.	شما می‌توانید به راحتی انگلیسی یاد بگیرید.
may / might		I may be late, so don't wait for me.	ممکن است من دیر برسم، بنابراین منتظر من نمانید.
shall / should		Children shouldn't <u>play</u> in the street.	بچه‌ها نباید در خیابان بازی کنند.
will / would		We will <u>go</u> to London next week.	ما هفته‌ی آینده به لندن خواهیم رفت.
have to / has to / had to		I had to <u>stay</u> at home yesterday.	مجبور بودم دیروز در خانه بمانم.
must		It's getting late. I must <u>go</u> right now.	دارد دیر می‌شود. باید همین الان بروم.

They didn't **let** Jack enter the house. =

They didn't **allow/permit** Jack to enter the house.

I **made** him give my money back. =

I **forced** him to give my money back.

What **made** you change your mind? =

What **caused** you to change your mind?

۲ افعالی که بعد از آن‌ها مصدر بدون to می‌آید، اگر مجهول شوند بعدشان مصدر با to به کار می‌رود:

1. He **made** me clean my room. (معلوم)

2. I **was made** to clean my room. (مجهول)

۱- او مرا مجبور کرد که اتاقم را تمیز کنم.

۲- من مجبور شدم اتاقم را تمیز کنم.

نکات مهم

۱ همان‌طور که در جدول بالا می‌بینید، بعد از let, make و help فعل

دوم به صورت مصدر بدون to می‌آید، ولی نباید تصور کنید که بعد از افعال هم‌معنی آن‌ها هم مصدر بدون to به کار می‌رود. شکل فعل دوم تابع خود فعل اول است، نه معنی آن. برگردید و نگاهی به جدول‌های مصدر با to و مصدر بدون to بیندازید. با مقایسه‌ی این دو جدول می‌توانیم بگوییم:

let (اجازه دادن) = allow = permit

make (مجبور کردن) = force

make (باعث شدن) = cause

مثال‌های این افعال را با هم مقایسه کنید. همان‌طور که می‌بینید، بعد از let و make مصدر بدون to آمده، ولی بعد از allow, permit, force و cause مصدر با to به کار رفته است:

۴ فعل make فقط وقتی به معنی «مجبور کردن؛ باعث شدن» باشد بعد از آن مصدر بدون to می‌آید. اگر make به معنی «درست کردن» باشد یا در سایر ساختارها به کار رفته باشد، بعد از آن مصدر با to آورده می‌شود:

1. She **made** some coffee to drink.
 2. Please **make** every endeavour to arrive on time.
 - ۱- او کمی قهوه برای نوشیدن درست کرد.
 - ۲- لطفاً نهایت سعی‌تان را بکنید که به موقع برسید.
- (make endeavour = سعی کردن)

ولی فعل let معمولاً به شکل مجهول به کار نمی‌رود و در حالت مجهول به جای آن از معادل‌هایش (allow و permit) استفاده می‌کنیم:

1. My father **let** me drive the car. (معلوم)
 2. I **was allowed/permitted** to drive the car. (مجهول)
 - ۱- پدرم به من اجازه داد ماشین را برانم.
 - ۲- به من اجازه داده شد که ماشین را برانم.
- ۳ برای منفی کردن فعلی که به صورت مصدر بدون to آمده، کافی است قبل از فعل یک not اضافه کنیم:
1. My mother **let** me not go to school today.
 2. He **made** me not say anything.
 - ۱- مادرم به من اجازه داد که امروز به مدرسه نروم.
 - ۲- او مرا وادار کرد که هیچ چیزی نگویم.

فعل دایدار

avoid (از) اجتناب کردن (از)	خودداری کردن (از)، اجتناب کردن (از)	She avoided <u>answering</u> my question.	او از پاسخ دادن به سؤال من خودداری کرد.
be busy	مشغول ... بودن	Rachel is busy <u>studying</u> for her exam.	راشل مشغول مطالعه برای امتحانش است.
begin *	شروع کردن	The children began <u>crying</u> .	بچه‌ها شروع کردند به گریه کردن.
can't help	نتوانستن جلوی ... را گرفتن	I couldn't help <u>laughing</u> when I saw him.	وقتی او را دیدم نتوانستم جلوی خندیدنم را بگیرم.
continue *	ادامه دادن	She continued <u>reading</u> the book.	او به خواندن آن کتاب ادامه داد.
consider	در نظر گرفتن، فکر کردن به	We are considering <u>buying</u> a new car.	ما داریم به خریدن یک ماشین جدید فکر می‌کنیم.
deny	انکار کردن، نپذیرفتن	He denies <u>breaking</u> the window.	او شکستن پنجره را انکار می‌کند.
dislike	دوست نداشتن	I dislike <u>watching</u> old movies.	من تماشا کردن فیلم‌های قدیمی را دوست ندارم.
enjoy	لذت بردن از	I really enjoyed <u>being</u> with him.	من واقعاً از بودن با او لذت بردم.
finish	تمام کردن	I finished <u>reading</u> that book yesterday.	من دیروز خواندن آن کتاب را تمام کردم.
forget *	فراموش کردن	I will never forget <u>meeting</u> that famous actor.	هرگز ملاقات با آن بازیگر معروف را فراموش نخواهم کرد.
go on	ادامه دادن	She went on <u>reading</u> the book.	او به خواندن آن کتاب ادامه داد.
hate *	متنفر بودن از	I hate <u>playing</u> basketball.	من از بسکتبال بازی کردن متنفرم.
imagine	تصور کردن	I can't imagine <u>living</u> in that country.	من نمی‌توانم زندگی کردن در آن کشور را تصور کنم.
keep (on)	ادامه دادن	She kept (on) <u>reading</u> the book.	او به خواندن آن کتاب ادامه داد.
like *	دوست داشتن	She likes <u>playing</u> ping-pong.	او پینگ‌پنگ بازی کردن را دوست دارد.
love *	عاشق ... بودن، (خیلی) دوست داشتن	I love <u>swimming</u> in the sea.	من عاشق شنا کردن در دریا هستم.
mind	اهمیت دادن به، ناراحت شدن از	I don't mind <u>lending</u> you my car.	من ناراحت نمی‌شوم از این‌که ماشینم را به شما قرض بدهم.
miss	از دست دادن	I don't want to miss <u>watching</u> that movie.	من نمی‌خواهم تماشا کردن آن فیلم را از دست بدهم.
prefer *	ترجیح دادن	I prefer <u>staying</u> at home.	من در خانه ماندن را ترجیح می‌دهم.
remember *	به یاد داشتن	I still remember <u>buying</u> my first bicycle.	هنوز خریدن اولین دوچرخه‌ام را به یاد دارم.
risk	ریسک کردن، خطر ... را پذیرفتن	I don't want to risk <u>losing</u> my home.	من نمی‌خواهم خطر از دست دادن خانه‌ام را بپذیرم.
spend	(وقت) صرف کردن	We spent three hours <u>looking</u> for his keys.	ما سه ساعت وقت صرف گشتن به دنبال کلیدهای او کردیم.
start *	شروع کردن	The children started <u>crying</u> .	بچه‌ها شروع کردند به گریه کردن.
stop *	دست از ... برداشتن، متوقف کردن	You should stop <u>talking</u> behind his back.	تو باید دست از حرف زدن پشت سر او برداری.
suggest	پیشنهاد کردن	She suggested <u>going</u> to the park.	او پیشنهاد کرد که به پارک برویم.
try *	امتحان کردن	Why don't you try <u>using</u> a different shampoo?	چرا استفاده از یک شامپوی دیگر را امتحان نمی‌کنی؟

جمله ایجاد نمی‌شود. (به مثال‌های جداول مصدر با to و فعل یدار مراجعه کنید.)

۲ اگر فعل stop به معنی «ایستادن، توقف کردن» باشد، بعد از آن مصدر با to می‌آید، ولی اگر این فعل به معنی «دست از ... برداشتن، متوقف کردن» باشد، بعد از آن فعل یدار به کار می‌رود:

1. He **stopped to talk** to me. (ایستادن برای انجام فعل دوم)

2. He **stopped talking** to me. (متوقف کردن فعل دوم)

۱- او ایستاد تا با من صحبت کند.

۲- او دست از صحبت کردن با من برداشت.

۳ اگر فعل try به معنی «سعی کردن» باشد، بعد از آن مصدر با to می‌آید، ولی اگر این فعل به معنی «امتحان کردن» باشد، بعد از آن فعل یدار به کار می‌رود. (به مثال‌های جداول مصدر با to و فعل یدار مراجعه کنید.)

۴ وقتی بعد از افعال remember و forget فعل یدار می‌آید، به این معناست که چیزی در گذشته اتفاق افتاده و فرد حالا آن را به یاد می‌آورد یا فراموش کرده است. ولی وقتی بعد از این افعال مصدر با to به کار می‌رود به این معناست که فرد کاری را که در آینده باید انجام دهد به یاد دارد یا فراموش کرده است. (به مثال‌های جداول مصدر با to و فعل یدار مراجعه کنید.)

۵ بعد از افعال like, love, hate, prefer. هم می‌توانیم از مصدر با to استفاده کنیم و هم از فعل یدار. تفاوت معنایی مهم و تأثیرگذاری بین این دو حالت وجود ندارد. فرقی این است که وقتی بعد از آن‌ها فعل یدار می‌آید، فرد به‌طور کلی و همیشگی عمل مورد نظر را دوست دارد و ... ولی وقتی بعدشان مصدر با to به کار می‌رود، فرد آن لحظه عمل مورد نظر را دوست دارد و ... لازم نیست این نکته را حفظ کنید. فقط کافی است در این حد بدانید که بعد از این چهار فعل، هم مصدر با to می‌تواند بیاید و هم فعل یدار.

هم با ing هم بدون to

بعد از افعال حسی، هم می‌توانیم فعل یدار بیاوریم و هم مصدر بدون to. افعال حسی عبارتند از:

hear (شنیدن)	watch (تماشا کردن)	see (دیدن)
notice (متوجه شدن)	feel (احساس کردن)	listen (گوش دادن)
smell (بوییدن، به مشام رسیدن)		

وقتی بعد از این افعال مصدر بدون to به کار می‌رود، به این معناست که کل عمل از اول تا آخر دیده یا شنیده یا ... شده است. ولی وقتی بعد از آن‌ها فعل یدار می‌آید، یعنی فقط قسمتی از عمل دیده یا شنیده یا ... شده است:

1. I **saw** Ali **cross** the street.

2. I **saw** Ali **crossing** the street.

۱- علی را دیدم که از خیابان رد می‌شد. (کل عمل رد شدن علی از خیابان را از اول تا آخر دیدم.)

۲- علی را در حال رد شدن از خیابان دیدم. (فقط چند لحظه او را دیدم. کل عمل را ندیدم.)

نکات مهم

۱ اگر بلافاصله بعد از حروف اضافه یک فعل بیاید، این فعل به صورت یدار نوشته می‌شود. مهم‌ترین حروف اضافه عبارتند از:

by - in - on - at - about - with - without - of - from
for - into - between - through - against - after - before

1. I'm interested **in** watching cartoons.
2. She spends a lot of money **on** buying clothes.
3. I can't decide **without** knowing all the details.
4. You should eat breakfast **before** going to school.

۱- من به تماشا کردن کارتون علاقه‌مند هستم.

۲- او پول زیادی را صرف خرید لباس می‌کند.

۳- من نمی‌توانم بدون دانستن تمام جزئیات تصمیم بگیرم.

۴- شما باید قبل از رفتن به مدرسه صبحانه بخورید.

حرف اضافه‌ی by به معنی «با، به وسیله‌ی، توسط، از طریق» بیانگر شیوه و روش انجام کاری است:

1. You can learn English **by** practicing a lot.
2. He earns money **by** selling newspapers.
3. **By** working hard, he succeeded in his job.

۱- شما می‌توانید از طریق زیاد تمرین کردن، انگلیسی یاد بگیرید.

۲- او به وسیله‌ی فروش روزنامه پول درمی‌آورد.

۳- او از طریق سخت کار کردن، در شغلش موفق شد.

۲ برای منفی کردن فعلی که به صورت یدار آمده هم مثل دو دسته‌ی قبل، کافی است قبل از فعل یک not اضافه کنیم:

1. Can you **imagine not having** any food to eat?
2. You can't make progress **by not doing** anything.

۱- می‌توانید تصور کنید که هیچ غذایی برای خوردن نداشته باشید؟

۲- شما نمی‌توانید با هیچ کاری انجام ندادن پیشرفت کنید.

هم با to هم بدون to

بعد از فعل help، هم می‌توانیم از مصدر با to استفاده کنیم و هم از مصدر بدون to. هیچ تغییری هم از لحاظ معنایی در جمله ایجاد نمی‌شود:

My father always **helps** me **do** my homework. =

My father always **helps** me **to do** my homework.

پدرم همیشه به من کمک می‌کند تکالیفم را انجام دهم.

هم با to هم با ing

۱ بعد از افعال begin, start و continue، هم می‌توانیم از مصدر با to استفاده کنیم و هم از فعل یدار. هیچ تغییری هم از لحاظ معنایی در

You should ask him to help Mina stop worrying about failing
the test. ۱ ۲ ۳ ۴ ۵

تو باید از او بخواهی به مینا کمک کند که دست از نگرانی بابت مردود شدن در امتحان بردارد.

- ۱- بعد از افعال وجهی (در این جا should) ← مصدر بدون to
 ۲- بعد از ask ← مصدر با to
 ۳- بعد از help ← مصدر بدون to (یا مصدر با to)
 ۴- بعد از stop (به معنی دست از ... برداشتن) ← فعل یدار
 ۵- بعد از حروف اضافه (در این جا about) ← فعل یدار

فعل smell استثنا‌ی این دسته است و بعد از آن فقط فعل یدار می‌آید. چون همیشه فقط چند لحظه متوجه بوی چیزی می‌شویم. در مورد بوییدن این‌طور نیست که بتوانیم از اول تا آخر عملی را بو کنیم!

همان‌طور که در اول درس گفتیم، زمان و شخص جمله فقط روی فعل اول تأثیر می‌گذارد و شکل فعل دوم توسط فعل اول تعیین می‌شود. اگر در جمله بیشتر از دو فعل داشته باشیم هم هر فعل تابع فعل قبل از خود خواهد بود. یعنی شکل فعل سوم توسط فعل دوم، شکل فعل چهارم توسط فعل سوم و ... تعیین می‌شود:



Handwriting practice area consisting of multiple horizontal blue lines.